

کریستوا در قابی دیگر

آرای متفکران معاصر دربارهٔ هنر

استل برت

مترجم:

سید محمد مهدی ساعتچی

دبیر مجموعه: مجید پروانه پور



بنگاه نشر

۱۳۹۸

فهرست

فهرست تصاویر	۷
مقدمه	۹
فصل ۱. زبان به مثابه فرایندی مادی	۱۹
فصل ۲. تفسیر همچون کردوکار	۵۹
فصل ۳. هنر و عاطفه	۱۰۳
فصل ۴. واپس زنی، هنر و مخاطب	۱۵۱
فصل ۵. پژوهش همچون کردوکار؛ یک الگوی اجراگرانه	۱۹۳
نتیجه‌گیری	۲۴۱
یادداشت‌ها	۲۴۳
فهرست منابع	۲۴۵
واژه‌نامه	۲۵۱
نمایه	۲۶۱

فهرست تصاویر

تصویر ۱. آلیسون راولی، تصویر پیک نیک و کودک (۱۹۹۲)، اکریلیک روی بوم. با مجوز

از: آلیسون راولی ۸۲

تصویر ۲. لیندا بانازیس، دروگر (۱۹۹۳)، رنگ روغن و جسو بر روی بوم. با مجوز از: لیندا

بانازیس ۹۳

تصویر ۳. لیندا بانازیس، قوچ (۱۹۹۳)، رنگ روغن و جسو بر روی بوم. با مجوز از: لیندا

بانازیس ۹۸

تصویر ۴. ون سورواین، کلارا (۲۰۰۴)، فیلم (انیمیشن) صامت. ۲۰۰۴، شرکت فیلم

سازی کمپ پی تی وای ۱۴۰

تصویر ۵. ون سورواین، کلارا (۲۰۰۴)، فیلم (انیمیشن) صامت. ۲۰۰۴، شرکت فیلم

سازی کمپ پی تی وای ۱۴۱

زبان به مثابه فرایندی مادی

برای درک زبان به مثابه فرایندی مادی و هنر به عنوان کردوکاری انقلابی، توصیف کریستوا از رابطه زبان و بدن، اهمیتی اساسی دارد. همان‌طور که در ادامه شرح خواهیم داد، آرای کریستوا را که مقدمتاً از مسائل مربوط به نقد و تحلیل کردوکار ادبی برگرفته شده، می‌توان به زبان دیداری نیز تعمیم داد. اگرچه زبان ادبی و دیداری در نهایت قابل تقلیل به یکدیگر نیستند، اما این دو ابزار ارتباطی، حداقل تا حدودی بر اساس رمزگانی عمل می‌کنند که به لحاظ اجتماعی بر سر آنها توافق وجود دارد. این فصل بر نظریه زبان کریستوا و توصیف او از هنر به عنوان کردوکاری انقلابی متمرکز خواهد بود؛ کردوکاری که مستلزم فراروی و سرپیچی از قواعد و رمزگان زبان و محدودیت‌هایی است که مفصل‌بندی می‌کنند.

زبان را نمی‌توان از سوژه سخنگو^۱ و یا سوژه‌ای که زبان را می‌شنود و دریافت می‌کند، منفک ساخت. به عبارت دیگر، زبان تنها زمانی معنی می‌یابد که به موجودات زنده و در نتیجه به فرایندهای زیستی و مادی که زندگی این موجودات را تداوم می‌بخشند، مفصل‌بندی شود.

1. speaking subject

مجدد میان وجوه نمادین و نشانه‌ای زبان است. این اصطلاحات کلیدی به آن چیزی اشاره دارند که کریستوا در نظریه خود از آن با عنوان وجه ناهمگون زبان یاد می‌کند؛ یعنی از یک سو زبان در مقام امری دلال‌تگر (کارکرد ارتباطی زبان) و از سوی دیگر، زبان در پیوند با فرایندهای زیستی و مادی که به شکلی تنگاتنگ در عواطف و احساسات دخیل‌اند. در این فصل، نشان خواهیم داد که چگونه این مفاهیم و دیگر مفاهیم مرتبط، ما را در درک انقلاب در هنر مدرنیستی یاری می‌دهند.

از جمله مواردی که در اندیشه کریستوا از اهمیتی اساسی برخوردار است، تصور سوژه یا خود، به عنوان فرایندی زنده و همواره در حال تکامل است.^۱ حال موضوع این است که سوژه متفکر و واجد احساس چگونه تحقق می‌یابد؟ چه چیز بنیاد این خلاقانه‌ترین همه فرایندها را پی‌ریزی می‌کند، و این مسئله چه ارتباطی با هنر یا تجربه زیباشناختی دارد؟ برای یافتن پاسخ، نخست باید تصدیق کنیم که چیزی در پس زبان و معنا وجود دارد و یا رخ می‌دهد. در کتاب انقلاب در زبان شاعرانه (۱۹۸۴)، کریستوا به رابطه پیش از تولد کودک با مادرش و همچنین تجربه کودک قبل از شکل‌گیری زبان رجوع می‌کند تا نشان دهد که سوژه و زبان از دل فرایندهای مادی پدیدار می‌شوند. این فرایند مادی در طول زندگی سوژه تداوم می‌یابد و رابطه‌ای محاوره‌ای^۲ با زبان دارد؛ رابطه‌ای که حتی پس از جدایی کودک از مادر و کسب

بنابراین، معلوم می‌شود چیزی مقدم بر زبان وجود دارد که به معنا و دانش، ارزش و ظرفیت انسانی می‌بخشد. در جامعه غربی که جهانی است آکنده از ارتباطات کلامی و تصویری گوناگون، کریستوا بیش از پیش، حالتی فزاینده از بی‌معنایی و نشانه‌هایی از افسردگی و بی‌اعتنایی به پیوندهای اجتماعی را می‌بیند. از نظر او، این بحران سوپرتکیویته، پیامد وضعیتی است که در آن سازماندهی بوروکراتیک، فعالیت‌ها و تعاملات روزانه ما را فردیت‌زدایی می‌کنند و گفتمان‌های نهادی به شکلی روزافزون از تجارب زیسته ما فاصله می‌گیرند. در چنین جهانی، به زعم کریستوا، روانکاوی و هنر جزء معدود طرقی هستند که جهان نمادین می‌تواند پیوندی دوباره با بدن زنده، فرایندهای اساسی زیست‌شناختی و روانی ما برقرار کند. نظریه روانکاوانه، ابزاری در اختیار ما قرار می‌دهد تا به کشف رابطه پیچیده بدن و ذهن، و فرد و جامعه به عنوان فرایندی پویا جهت برساختن معنا بپردازیم. کریستوا نشان می‌دهد که روانکاوی در مقام یک کردوکار، از شباهت‌هایی اساسی با کردوکارهای هنری برخوردار است. هر دوی آنها در برگیرنده فرایندهای انقلاب و نوسازی‌اند. کار روانکاوی و هنر، به چالش کشیدن گفتمان‌های مسلط نهادی و سایر گفتمان‌هایی است که از احساسات حیاتی ما جدا شده‌اند و بنابراین توانایی برقراری ارتباط با خود و دیگران و همچنین امکان و انگیزه عاملیت^۱ را در ما تحلیل می‌برند. او پیش از هر چیز به سراغ ادبیات – کردوکار متنی خلاق – می‌رود تا نشان دهد چگونه چنین کردوکاری مستلزم برقراری ارتباطی

۱. کریستوا این ویژگی را «سوژه-در فرایند» نیز تعبیر می‌کند - م.

توانایی سخن گفتن او (یعنی بدل شدن اش به سوژه سخنگو) نیز تداوم می‌یابد.

امر نشانه‌ای و امر نمادین

بدن مادر ظرفی ایستا و منفعل نیست، بلکه چیزی است که کودک پیش از هر چیز، آن را از طریق آوا (ضرباهنگ صوت و زیر و بم صدا) تجربه می‌کند. این فضا یا مکان تعاملات و تبادلات، چیزی را تحقق می‌بخشد که کریستوا آن را «کورای»^۱ نشانه‌ای می‌نامد؛ کورای نشانه‌ای اولین اثرات تجربه را ثبت می‌کند و به شکلی اولیه و ناقص از زبانی حکایت می‌کند که در آینده شکل خواهد گرفت. کورا، محل مفصل‌بندی سائق‌های جسمانی، انباشت‌های انرژی و نشانه‌هایی روانی است که کلیتی نایبان‌گر را تحقق می‌بخشد که گرچه صورت مشخصی ندارد، از طریق تأثراتی^۲ که برجا می‌نهد شناخته می‌شود. کورا را می‌توان با ساز و کار بدن که مدام در حرکت بوده و همواره درصدد به حداکثر رساندن توانایی‌های ارگانیک زنده است، مرتبط دانست. کورا، مجموعه‌ای است از ضربان‌ها – شدت‌ها، تنش‌ها و رها شدن از تنش‌هایی که از طریق تعامل با آنچه در ورای این سیستم زنده وجود دارد، به وقوع می‌پیوندد. عملکردهای کورا که بر فراگیری زبان تقدم دارند، فضای پیشاکلامی را در تطابق با مقولاتی منطقی که بر زبان تقدم دارند و فراسوی آن هستند،

سازماندهی می‌کنند. این کارکردهای نشانه‌ای که برساخته سائق‌های زیست‌شناختی و تخلیه انرژی‌اند و در آغاز معطوف به بدن مادرند و حول محور آن می‌گردند، به صورت حالتی غیرنمادین در سراسر عمر سوژه بر روابط میان بدن او و «دیگری» تأثیر گذاشته و به حیات خود ادامه می‌دهند. این کارکردهای نشانه‌ای، پیوستاری را میان بدن و ابژه‌های خارجی، و میان بدن و زبان ایجاد می‌کنند (Kristeva, 1984: 27). از آنجا که مواجهه ما با زبان ضرورتاً مستلزم دخالت بدنمان نیز هست، شاید اکنون بتوانیم «امر نشانه‌ای» را به عنوان «رمزگان» زبانی جایگزین درک کنیم، یعنی به عنوان یک نوع «دانستن تنانه»^۱ که خود را، به‌رغم همه چیز، در انتقال معناهایی که در مناسبات اجتماعی بروز می‌یابند، دخیل می‌سازد.

برای درک تأثیرات این بعد غیربرهانی^۲ یا پیش‌زبانی، می‌توان نخست به تعاملات میان نوزاد و مادر توجه کرد. کودک لبخند یا بی‌توجهی مادر را احساس می‌کند، بی‌آنکه قادر باشد آن را در مقولات زبانی جای داده یا با هر چیز دیگری مرتبط سازد. واکنش کودک در قالب خنده یا گریه، مجموعه‌ای از تعاملات و تأثیرات را هم در بدن کودک و هم در محیط جسمی و اجتماعی او ایجاد می‌کند. معناها و رفتارهای (کردوکارها) جدید، از ترکیب رخدادهای غیرکلامی ناشی می‌شوند – یعنی از ترکیب واکنش‌های فیزیکی کودک و نیز واکنش‌های پرورشی والدین که هم متضمن رفتاری است که از زبان و اجتماع تأثیر پذیرفته است

1. bodily knowing
2. non-discursive

1. chora
2. effects